

Investigation of the reasons for non-retrieval of Fadak by Imam Ali (AS)

Yadollah Hajizadeh¹

Received: 2020/12/16 | Accepted: 2021/02/27

(DOI): [10.22034/SKH.2021.11249.1224](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.11249.1224)

Original Article

Abstract

P 94 -111

Imam Ali (AS) 's refusal to reclaim "Fadak" is an ambiguity and a question that has always been asked by some Muslims, including Shiites and Sunnis. The question from one point of view is that the Amir al-Mu'minin (AS), despite being in power from 35 to 40 AH, why did not take back Fadak, which belonged to Hazrat Zahra (AS) and the government had unjustly taken it from him. ? In this article, in order to obtain an appropriate answer to the question, while using earlier sources, a descriptive and analytical method has been used. Although asceticism and disregard for the world or the belief that "something that has been wronged should not be taken back" have been said to be among the reasons for Fadak not being taken back, closer research shows that the main reasons for this passing are the death of both parties. Fighting and observing the interests of the fledgling Islamic society.

Keywords: Hazrat Fatemeh (PBUH), Fadak, Imam Ali (PBUH), recapture, Abu Bakr.

1- Assistant professor in Islamic Culture and Sciences Academy.. hajizadeh30@yahoo.com



واکاوی علل عدم بازپس گیری فدک توسط امام علی (ع)

یدالله حاجی زاده^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2021.11105.1214

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۰۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص ۱۱۱/۹۴

چکیده

عدم باز پس گیری فدک توسط امام علی (ع) ابهام و سؤالی است که همواره برخی مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت مطرح کرده‌اند. سؤال از یک منظر بدین صورت است که امیرالمومنین (ع) باوجود در دست داشتن حکومت از سال ۳۵ تا ۴۰ هجری، چرا فدک را که متعلق به حضرت زهرا (س) بود و حکومت آن را به ناحق از ایشان گرفته بود، پس نگرفت؟ در این نوشتار به منظور دستیابی به پاسخی درخور به این سؤال، ضمن بهره‌گیری از منابع متقدم، از شیوه توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. هرچند گفته شده زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و باور به اینکه «چیزی که به ستم گرفته شده را نباید پس گرفت»، از علل عدم باز پس گیری فدک بوده، اما پژوهش دقیق‌تر در این زمینه نشان می‌دهد علل اصلی این گذشت، رحلت طرفین دعوا و رعایت مصالح جامعه نوپای اسلامی بوده است. علاوه بر اینها به جهت اعتباری که توده مردم برای احکام صادره توسط شیخین قائل بودند، امام به راحتی و بدون آسیب به اسلام یا جامعه اسلامی نمی‌توانست در این باره تغییرات اساسی ایجاد کند.

واژه های کلیدی: حضرت فاطمه (علیها السلام)، فدک، امام علی (علیه السلام)، بازپس گیری،

ابوبکر.

^۱ استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. hajizadeh30@yahoo.com



مقدمه

در سال هفتم هجری با گسترش اسلام در شبه جزیره عربستان، منطقه خیبر^۱ که یهودیان در آن ساکن بودند، توسط مسلمانان فتح شد. فدک که مزرعه‌ای در نزدیکی همین منطقه بود،^۲ به صلح در اختیار رسول خدا(ص) قرار گرفت و طبق قوانین اسلامی^۳ از اموال خالصه آن حضرت شد. (ابن هشام، بی‌تا: ۳۳۷/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱۵/۳) رسول خدا(ص) با نزول آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» (اسراء: ۲۶) این مزرعه را به دختر گرامی خویش، حضرت فاطمه(علیها السلام) بخشید. (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۴۳/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۲۵۳/۸؛ ذهبی، بی‌تا: ۱۳۵/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۳: ۶۳۴/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۶۸/۱۶؛ آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵: ۶۱/۸). پس از رحلت رسول خدا(ص) و در دوران ابوبکر(۱۳-۱۱ق)، وی فدک را تصاحب کرد و ادعای حضرت زهرا(علیها السلام) در خصوص هبه بودن آن را رد کرد و شاهدانی که حضرت زهرا(علیها السلام) جهت تصدیق ادعای خویش مطرح کرده بود- یعنی حضرت علی(علیه السلام) و ام ایمن- (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۴۳/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۲۵۳/۸؛ ذهبی، بی‌تا: ۱۳۵/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۳: ۶۳۴/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۶۸/۱۶؛ آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵: ۶۱/۸) را کافی ندانست. (جوهری، ۱۴۱۳: ۱۰۵؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۷۸)

در مرحله بعد حضرت فاطمه(علیها السلام) با این پیش‌فرض که اگر فدک متعلق به رسول خدا(ص) بوده و آن را به ایشان بخشیده، خواستار آن به عنوان میراث پیامبر(ص) شد. ابوبکر با بیان حدیثی (ما پیامبران ارثی برجای نمی‌گذاریم و هر آنچه از ما بماند صدقه است)، (بخاری، ۱۴۰۴: ۴۹؛ احمد بن حنبل، بی‌تا: ۴/۱؛ یعقوبی، بی‌تا: ۱۲۷/۲) که مدعی بود آن را از رسول خدا(ص) شنیده است که از اعطای این حق خودداری ورزید و آن را متعلق به عموم مسلمانان دانست.^۴

۱ منطقه‌ای در شمال مدینه به سمت شام که طبق محاسبات امروزی ۱۶۵ کیلومتر از مدینه فاصله دارد. (حموی، ۱۹۹۵: ۴۰۹/۲؛ شراب، ۱۴۱۱: ۱۰۹).

۲ امروزه به این منطقه حائط می‌گویند. گفته شده فاصله فدک از مدینه طبق محاسبات امروزی ۱۴۰ کیلومتر است. (موذن، ۱۳۷۵: ۱۱۲/۲۳۳).

۳- وَ مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجِعْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كُنَّ اللَّهُ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (حشر: ۶).

۴ در اینکه آیا چنین حدیثی از رسول خدا نقل شده است یا خیر، بحث است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان گفت حدیثی از رسول خدا بدین صورت نقل شده است که ما پیامبران طلا و نقره و خانه و زمین زراعی از خویش به ارث نمی‌گذاریم و ما کتاب و حکمت و علم و پیامبری را به ارث می‌گذاریم. «أنا معاشر الأنبياء لا

فدک در زمان حاکمیت سه خلیفه نخست در اختیار آنان بود. با روی کار آمدن امام علی (علیه السلام) (۴۰-۳۵ق.ه)، آن حضرت - که خود از شاهدان و حامیان حضرت زهرا (علیها السلام) و از معترضین به ابوبکر بود - تلاشی برای بازگرداندن و اختصاص این مزرعه به اهل بیت (علیهم السلام) از خود نشان نداد و طبق نقلی درآمد آن را - همانند خلفا - در مصارف عمومی قرار داد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۲۱۶/۱۶). سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه چرا آن حضرت فدک را برنگرداند؟ مگر آن حضرت فدک را متعلق به حضرت زهرا (علیها السلام) نمی‌دانست؟ و مگر آن حضرت در ابتدای حاکمیت خویش فرمود هر حقی را به صاحبش باز خواهد گرداند؟ (رک: نهج‌البلاغه، خطبه ۵۷/۱۵) علاوه بر این، برخی گویی این ابهام در ذهنشان شکل گرفته که اگر فدک متعلق به حضرت زهرا (علیها السلام) می‌بود، امام علی (علیه السلام) می‌بایست آن را در دوره حاکمیتش به فرزندان فاطمه (علیها السلام) باز می‌گرداند. سید محمد باقر صدر می‌نویسد: «و قد ذکر بعض المدافعين عن الخليفة في مسألة فدک ان عليا لم يدفعها عن المسلمين، بل اتبع سيرة ابي بكر، فلو كان يعلم بصواب الزهرا و صحة دعواها ما انتهج ذلك المنهج». (صدر، ۱۴۱۵: ۳۶) آیت الله حسینی میلانی نیز سؤال یکی از برادران اهل سنت - که در قالب نامه به ایشان ارسال کرده - را به این صورت نقل کرده است: «اگر در این ماجرا (ماجرای فدک) حق با زهرا (علیها السلام) بوده، پس چرا هنگامی که علی (علیه السلام) به حکومت رسید، فدک را پس نگرفت؟» (حسینی میلانی، ۱۳۸۶: ۱۹) این نوشتار به منظور یافتن پاسخی دقیق و قانع‌کننده برای این سؤالات سامان یافته است. فرضیه‌ای که این نوشتار در نظر دارد چنین است: حضرت علی (علیه السلام) هرچند فدک را متعلق به حضرت زهرا (علیها السلام) می‌دانست اما به جهت شرایط خاصی که در زمان حاکمیت با آن مواجه شده است، مصلحت اسلام و جامعه اسلامی را در این دیده که فدک را بازنگرداند.

نورث ذهباً و لا فضةً، و لا داراً و لا عقاراً، و أما نورث الكتاب و الحكمة، و العلم و النبوة» (سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۷۶/۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۲۵۲/۱۶) «مقصود از این حدیث، نیز نفی میراث مادی نبوده است بلکه هدف عمده آن این بوده که بگوید میراث واقعی انبیاء علم و ایمان روحی و دین است نه درهم و دینار» حسینی، ۱۳۷۲: ۲۸. شیخ مفید نیز در توجیه این حدیث می‌گوید: اصل این حدیث (نحن معاشر الأنبياء لا نورث ما تركناه صدقة) این است که آنچه از پیامبر (ص) به عنوان صدقه می‌ماند، به ارث برده نمی‌شود نه آنکه هر آنچه از انبیاء بماند صدقه است. (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲۰) طبیعتاً اگر مقصود دیگری غیر از این‌ها از این حدیث در نظر گرفته شود، با صریح آیات قرآن کریم که از ارث بری پیامبران از یکدیگر سخن گفته‌اند (نمل: ۱۶، مریم: ۶) در تضاد است.

پیشینه

پیش از این درباره فدک کتاب‌ها (به عنوان نمونه: صدر، ۱۴۱۵؛ حسینی جلالی، ۱۳۸۴؛ حسینی میلانی، ۱۳۸۶؛ مجلسی، ۱۳۸۸؛ جوهری بصری، ۱۴۱۳)، پایان‌نامه‌ها (پرویز کلایه، ۱۳۹۳؛ احمدی، ۱۳۹۲) و مقالات (حسینی، ۱۳۷۲؛ ملک زاده، ۱۳۸۷، مهدی پور، ۱۳۸۷؛ رهبر، ۱۳۷۹) متعددی از سوی محققان به رشته تحریر درآمده است (درباره تمامی این آثار، رک: نصر اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۰۳-۱۱۲) که ابعاد مختلف آن را بررسی کرده‌اند. در برخی از این آثار و در صفحاتی محدود، تلاش شده، علت بازپس‌نگرفتن فدک توسط امام علی (علیه السلام) پاسخ داده شود. این پاسخ‌ها در بسیاری موارد اجمالی و گذرا هستند. در کتاب «فدک از غصب تا تخریب» از صفحه ۱۴۴ تا ۱۴۸ این مطلب بررسی شده است. نویسنده دلایل عدم پس‌گیری فدک را در تقیه امام علی (علیه السلام) حتی در زمان زمامداری و حکومت، عدم بازپس‌گیری چیز مغضوب توسط اهل بیت (علیهم السلام)، کراهت امام علی (علیه السلام) از بازپس‌گیری چیزی که خداوند غاصبش را کیفر داده و بی‌ارزش بودن بعد مادی فدک برای اهل بیت (علیهم السلام) برشمرده است. (مجلسی، مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۸) سیدمحمدباقر صدر در کتاب فدک فی التاریخ از صفحه ۳۶ تا ۳۷ به فدک در زمان امام علی (علیه السلام) پرداخته و ضمن اشاره به تقیه، بیان می‌کند که از منظر علی (علیه السلام) فدک به اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص داشته و احتمالاً امام علی (علیه السلام) درآمد فدک را در زمان خویش به فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) و یا با رضایت فرزندانش در مصالح مسلمین خرج کرده است. (صدر، ۱۴۱۵: ۳۶-۳۷) آقای حسینی جلالی نیز در کتاب *الفدک و العوالی* از صفحه ۱۹۴ تا ۲۰۵ ذیل عنوان «العلّة فی عدم استرداد فدکا»، تقیه و وصیت حضرت فاطمه (علیها السلام) به علی (علیه السلام) مبنی بر عدم پیگیری قضیه فدک را از علل اصلی بازپس‌نگرفتن فدک دانسته است. (حسینی جلالی، ۱۳۸۴: ۱۹۴-۲۰۵) در کتاب اسرار فدک به قلم محمدباقر انصاری و سیدحسین رجایی نیز از صفحه ۲۹۵ تا ۲۹۶ تلاش شده به سؤال مذکور پاسخ داده شود. نویسندگان ضمن بیان این مطلب که «فدک تا آنجا ارزش یک ملک را داشت که غصب نشده بود»، بازگرداندن فدک را استهزاء و به شوخی گرفتن غصب آن دانسته‌اند و اشاره دارند که حضرت فاطمه (علیها السلام) - که حرمتش در این قضیه نادیده گرفته شده بود- دادخواهی درباره فدک را به قیامت واگذاشته است. (انصاری و رجایی، ۱۳۸۷: ۲۹۵-۲۹۶) علی‌اکبر حسینی در مقاله «فدک و بازتاب‌های تاریخی و سیاسی آن» از صفحه ۴۱ تا ۴۵ ذیل عنوان «آخرین سؤال» تلاش کرده به سؤال

مذکور پاسخ دهد. ایشان ضمن بیان پاسخ‌هایی که در روایات از ائمه (علیهم السلام) در جواب سؤال مذکور مطرح شده، این پاسخ‌ها را قانع‌کننده ندانسته و معتقد است این روایات شاید از روی مصلحت و یا جهت اسکات دیگران مطرح شده باشند. ایشان نهایتاً معتقد است شرایط زمانه و سوء استفاده‌ای که دشمنان می‌توانستند از این قضیه داشته باشند، سبب شده امام مصلحت را در این ببیند که فدک را برنگرداند. (حسنی، ۱۳۷۲: ۴۱ - ۴۵) در مقاله «فدک نماد مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)» نیز محمدتقی رهبر ذیل عنوان «امیرمومنان (علیه السلام) و ماجرای فدک» از صفحه ۱۷۸ تا ۱۸۱ علت بازنگرداندن فدک توسط امام علی (علیه السلام) را - با استناد به روایتی از امام صادق (علیه السلام) - اقتدا به رسول خدا (ص) در زمان فتح مکه که خانه خویش را از عقیل بازپس نگرفت، دانسته است. (رهبر، ۱۳۷۹: ۱۷۸ - ۱۸۱) در مجموعه مقالات فدک نیز، که ۱۶ مقاله در این خصوص در آن درج شده، مقاله‌ای به طور خاص درباره موضوع بازپس‌گیری فدک توسط امام علی (علیه السلام) وجود ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲) در سایت‌های اینترنتی نیز به صورت پراکنده و مختصر پاسخ‌هایی بر این سؤال پرتکرار مطرح شده است که عمدتاً ناقص و دارای مطالبی تکراری هستند. بنابراین تاکنون این موضوع به صورت علمی، روشمند و کامل پاسخ درخوری نیافته است.

علل عدم بازپس‌گیری فدک

در این نکته تردیدی نیست که فدک متعلق به حضرت زهرا (علیها السلام) و به تعبیری ملک ایشان بوده است^۱ و امام علی (علیه السلام) هم آن را متعلق به همسرش زهرا (علیها السلام) می‌دانسته است. چراکه آن حضرت خود یکی از شاهدان بخشش فدک توسط رسول خدا (ص) به فاطمه (علیها السلام) بوده و بر این امر شهادت داده است. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۲۱۵/۱۶؛ ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۷۸) علاوه بر این امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه به این مطلب اشاره دارد که فدک متعلق به ما بود. اما حاکمیت به جهت بخل و حسادت، از اعطای این حق خودداری کرد. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵/۴۱۶) ضمن اینکه اجازه دادخواهی در این قضیه توسط

۱ از عبدالفتاح عبدالمقصود در مقدمه کتاب «فدک» نوشته سید محمد حسین موسوی قزوینی حائری مطلبی به این صورت نقل شده است: ان ارض فدک (نحله کانت او میراثا) هی حق خالص لفاطمه لا یمکن المماراة فیه. فدک چه به عنوان بخشش یا میراث، حق حضرت زهرا (س) بوده است و در این باره نمی‌توان شک کرد. (رحمانی همدانی، ۱۴۱۷: ۷۳۷ به نقل از موسوی قزوینی، فدک، ص ۶؛ درباره جمله مشابهی از ایشان رک: عبدالفتاح عبدالمقصود، ۱۴۳۰: ۵۹۷).

امام علی (علیه السلام) به حضرت زهرا (علیها السلام) و احتجاجی که خود آن حضرت در این باره با ابوبکر داشته (صدوق، بی‌تا: ۱/ ۱۹۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/ ۹۲) نشان از این دارند که امام علی (علیه السلام) فدک را متعلق به فاطمه (علیها السلام) می‌دانسته است. اما در اینکه چرا آن حضرت - به خصوص در زمانی که قدرت را در دست داشت (۳۵-۴۰ هجری) - تلاشی در جهت بازپس‌گیری فدک نکرد، دلایل ذیل را می‌توان مد نظر قرار داد:

۱. زهد و بی‌رغبتی امیرالمومنین (علیه السلام) به دنیا

بدون شک و به اعتراف دوست و دشمن، امام علی (علیه السلام) یکی از زاهدترین و بی‌اعتنائترین افراد به دنیا و امور مادی و دنیوی بوده است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۸۹/۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۰۱/۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲/ ۹۴) برخی نویسندگان خواسته‌اند همین زهد و بی‌رغبتی به دنیا را عامل عدم بازپس‌گیری فدک معرفی کنند. (رک: رهبر، ۱۳۷۹: ۱۷۹) دلیلی که در این باره از سوی ایشان مطرح شده سخنی از امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه است که می‌فرماید:

آری از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده، تنها فدک در اختیار ما بود که آن هم گروهی بر آن بخل و حسادت ورزیدند و گروه دیگری آن را سخاوتمندانه رها کردند و بهترین حاکم خداست. مرا با فدک و غیر فدک چه کار؟! در حالی که جایگاه فردای هر کس قبر اوست که در تاریکی آن، آثارش محو و اخبارش ناپدید می‌شود. (نهج البلاغه، نامه ۴۵ / ۴۱۶)

این سخنان که کاملاً نشان از زهد و بی‌رغبتی آن حضرت نسبت به دنیا است، این فرضیه را در ذهن برخی تقویت کرده که چه بسا همین امر عامل اصلی و اساسی‌ای بوده که سبب شده آن حضرت انگیزه چندانی جهت بازپس‌گیری فدک نداشته باشد.

تردیدی نیست که زهد و بی‌رغبتی به دنیا در عدم بازپس‌گیری فدک نقش داشته است. اما به نظر می‌رسد اگر بگوییم امام علی (علیه السلام) صرفاً به جهت زهد، فدک را رها کرده، با برخی از اصول اسلامی همخوانی نداشته باشد. یکی از این اصول این است که انسان نباید زیر بار ظلم و ستم رفته (بقره: ۲۷۹) و باید از حق خویش و حق دیگران دفاع کند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۹ / ۷۲) همان گونه که حضرت زهرا (علیها السلام) به منظور احقاق حق و رفع ظلم به دنبال فدک رفت. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «زهرا اگر دنبال فدک می‌رود از باب این است که اسلام احقاق حق را واجب می‌داند و الاً فدک چه ارزشی دارد؟! چون اگر دنبال فدک

نمی‌رفت، تن به ظلم داده بود و انظلام بود...». (مطهری، بی‌تا: ۹۴/۱۶) از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که امام علی (علیه السلام) نیز از مزرعه فدک سهم داشته است (حسینی جلالی، ۱۳۸۴: ۱۹۴) و به فرض که خود آن حضرت سهمی از فدک نداشته، بر ایشان لازم بوده به منظور احقاق حق دیگران (فرزندان خویش که وارث فدک بودند) - در زمانی که قدرت را به دست گرفته - فدک را بازگرداند. بنابراین این ایده که امام علی (علیه السلام) تنها به جهت زهد و بی‌رغبتی به دنیا، از بازپس‌گیری فدک خودداری ورزیده است، شاید با موازین اسلامی چندان سازگار نباشد.

۲. وصیت حضرت زهرا (علیها السلام)

در بخشی از پاسخ یکی از شیعیان - که شیخ طوسی (م. ۴۶۰) آن را در کتاب الاقتصاد خویش آورده - در جواب سؤال علت عدم بازگرداندن فدک توسط امام علی (علیه السلام)، به این مطلب اشاره شده که عدم مطالبه فدک به جهت وصیت حضرت زهرا (علیها السلام) بوده است. آن بانوی گرامی به علی (علیه السلام) سفارش کرده بود که به دنباله مطالبه این حق نرود تا بتواند در روز قیامت در این موضوع با ابوبکر محاجه کند. چرا که حضرت زهرا (علیها السلام) خطاب به ابوبکر گفته بود به زودی در روز قیامت همدیگر را ملاقات خواهیم کرد. (طوسی، ۱۳۷۵: ۲۱۵) به نظر می‌رسد اینکه حضرت زهرا (علیها السلام) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) چنین وصیتی کرده باشد، در حقیقت برداشت یکی از شیعیان از سخن حضرت زهرا (علیها السلام) به ابوبکر است که «به زودی من و تو در روز قیامت یکدیگر را خواهیم دید». این سخن حضرت در حقیقت تهدید و هشدار برای ابوبکر بوده که متوجه باشد اگر این حق را بازنگرداند، بالاخره روز قیامت هم در پیش است و او در آنجا باید پاسخ‌گویی عملکردش باشد. دلیل بر این احتمال این است که در منابع متقدم چنین وصیتی از حضرت زهرا (علیها السلام) خطاب به امام علی (علیه السلام) وجود ندارد.

۳. گذشت از حق شخصی

برخی نویسندگان در پاسخ به چرایی بازنگرداندن فدک به احادیثی استناد کرده‌اند که در آنها به این مطلب اشاره شده که اهل بیت (علیهم السلام) هرگاه چیزی به ستم از آنها گرفته شود، درصدد بازپس‌گیری آن بر نمی‌آیند و دقیقاً به همین علت امام علی (علیه السلام) از بازگرداندن فدک خودداری کرد. در یکی از این احادیث آمده است: از امام صادق (علیه السلام) سوال شد که چرا امام علی (علیه السلام) وقتی به قدرت رسید فدک را بازنگرداند. حضرت فرمود: آن حضرت

در این ماجرا به پیامبر اکرم (ص) در فتح مکه اقتدا کرد که وقتی به حضرت عرض شد چرا خانه خود را پس نمی گیرید، فرمود: مگر عقیل برای ما خانه ای گذاشته است و بعد فرمود ما خاندانی هستیم که اگر چیزی به ستم از ما گرفته شد، آن را پس نمی گیریم. بلافاصله در حدیث دیگری که مؤید این حدیث است آمده است که وقتی از امام کاظم (علیه السلام) سؤال می شود چرا امیرالمومنین (علیه السلام) فدک را بازنگرداند، حضرت می فرماید چون ما اهل بیته هستیم که حقوق خویش را از کسی که به ما ستم کرده نمی گیریم. اما اگر به حقوق دیگران ستم شد، آن را ستانده و به صاحبانش باز می گردانیم. (صدوق، بی تا: ۱/۱۵۵)

این دلیل هم، از اتقان آن چنانی برخوردار نیست. چراکه شکایات حضرت زهرا (علیها السلام) در قضیه فدک و ارائه شواهد و... در این باره، نشان می دهد آن حضرت در جهت رفع ستم نسبت به خویش، نهایت تلاشش را انجام داده است و نهایتاً چون حق ایشان نادیده گرفته شده، این امر را به قیامت و دادگاه عدل الهی واگذار کرده است. بنابراین این احتمال هست که این پاسخ های روایی - صرف نظر از سندشان - پاسخی مصلحتی باشند.

البته باید توجه شود که اهل بیت (علیهم السلام) در مواردی به جهت مصالح بالاتری و یا از روی بزرگواری که داشته اند، از حق شخصی خویش صرف نظر کرده اند. در فرازهایی که از نهج البلاغه نیز در این باره نقل شد این مطلب برداشت می شود که امام علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) با بزرگواری از این حق صرف نظر کرده اند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲/ ۲۳۱) شیخ طوسی می نویسد: «فدک حق آن حضرت بود و کسی که حقی در چیزی داشته باشد، می تواند به جهت مصالحی از مطالبه آن حق صرف نظر کند». (طوسی، ۱۳۷۵: ۲۱۵)

۴. رحلت طرفین دعوا

دلیل دیگری که می توان از روایات در این خصوص مطرح کرد اینکه از زمان طرح این دعوا تا زمان حاکمیت امام علی (علیه السلام) در سال ۳۵ هجری، زمان نسبتاً زیادی گذشته بود و در این زمان، طرفین دعوا یعنی حضرت زهرا (علیها السلام)؛ به عنوان مدعی اصلی فدک و ابوبکر، به عنوان منکر از دنیا رفته بودند. امام صادق (علیه السلام) در حدیثی و در پاسخ به سؤال ابوبصیر که از علت عدم بازگرداندن فدک توسط امام علی (علیه السلام) در زمان حاکمیت ایشان پرسیده بود، به همین مطلب اشاره کرده است. حضرت می فرماید: چون در زمان حکومت امام علی (علیه السلام)، ستمگر و ستم دیده هر دو از دنیا رفته بودند و خداوند برای ستمگر مجازات و برای

ستمیدیده پاداش لازم را در نظر گرفته بود، به همین جهت مطالبه آن بدان جهت که طرفین دعوا درباره آن به پاداش و مجازات خویش دست یافته بودند، از سوی امام شایسته نبود. (صدوق، بی تا: ۱/۱۵۵) بر اساس این روایت چون در زمان حکومت امام علی (علیه السلام) هم ابوبکر به عنوان ظالم و هم حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان مظلوم از دنیا رفته بودند و خداوند نیز برای هر یک از ایشان عقوبت و پاداش را به مقتضای ظالم و مظلوم بودنشان در نظر گرفته است، مطالبه آن از سوی امام علی (علیه السلام)، توجیه چندانی نداشت. در ادامه همین روایت یکی از پژوهشگران می نویسد: این رفتار امام علی (علیه السلام) نشان دهنده بزرگواری و اخلاق شایسته آن حضرت است که کراهت داشته بین ثواب و پاداشی که حضرت زهرا (علیها السلام) از خداوند دریافت خواهد کرد و بین بازگرداندن حق، جمع کند. (حسینی جلالی، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

۵. اعتبار احکام شیخین نزد مردم و مصلحت سنجی امام

از بزرگ ترین مشکلات امام علی (علیه السلام) پس از دست یابی به خلافت، تغییراتی بود که خلفا در سیره رسول خدا (ص) - اعم از سنت های فقهی یا سیره حکومتی - پدید آورده بودند و مردم نیز تا حد زیادی آنها را پذیرفته و با آنها خو گرفته بودند. (طبری، ۱۳۸۷: ۷۶/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۳۲۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۴۲/۷ - ۴۳) و در صورت مخالفت با این سنت ها فریاد اعتراضشان بلند می شد. (کلینی، ۱۳۶۲: ۸/۶۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۱۲/۲۸۳) یک نمونه بارز از این تغییرات که تلاش امام در جهت اصلاح آن با مشکل مواجه شد، نماز تراویح است (حلی، ۱۴۱۱: ۶۳۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۷۵) که عمر آن را بدعتی نیکو خوانده بود. (بخاری، ۱۴۰۱: ۲/۲۵۲) امام علی (علیه السلام) در یک مورد ضمن اشاره به برخی انحرافات دوران خلفا، از ناتوانی خویش در جهت اصلاح آن همه نابسامانی و تغییر خبر داده و بیان می کند که اگر بخواهد در تمامی این امور، سنت رسول خدا (ص) را دقیقاً اجرا کند، جامعه دچار تفرقه خواهد شد و حضرت تنها شده و عملاً با مخالفت عده زیادی، امور از دستش خارج خواهد شد. حضرت می فرماید: حکمرانان پیش از من کارهایی انجام دادند که در آنها با رسول خدا (ص) مخالفت کردند و از روی تعمد راه خلاف پیمودند، پیمانانش را شکستند، سنت و روشش را تغییر دادند. اگر من بخواهم مردم را به ترک آنها وادارم و به جای اصلی آنها بازگردانم و به همان ترتیب که در زمان رسول خدا (ص) بود مقرر دارم، لشکر از دور من پراکنده شوند...» در ادامه این حدیث، حضرت علی (علیه السلام) فدک را نیز از جمله همین موارد می داند که اگر می خواست آن را

بازگرداند، سبب پراکندگی یارانش می‌شد. (کلینی، ۱۳۶۲: ۴۸/۸-۵۳) در روایتی از امام باقر(علیه السلام) نیز به کلیتِ مصلحت سنجی امام علی(علیه السلام) اشاره شده است. (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۵۶/۵) شیخ طوسی نیز به شرایط دشواری که امام علی(علیه السلام) در دوره حکومت خویش با آنها مواجه شده اشاره کرده و معتقد است «امام علی(علیه السلام) در برخی موارد از جمله در قضیه فدک نمی‌توانست برخلاف خلفای پیش از خود عمل کند؛ چراکه بیشتر کسانی که با آن حضرت همراه شده بودند، امامت و سیره خلفای پیشین را پذیرفته بودند و برای امام علی(علیه السلام) نقض احکام آنان امکان نداشت. ایشان در ادامه برای تأیید دیدگاه خویش می‌نویسد: به همین جهت بوده که آن حضرت در پاسخ به سؤال قضات خویش که درباره چگونگی قضاوت از آن حضرت پرسیده بودند، فرمود: «به همان شیوه‌ای که بیشتر قضاوت می‌کردید قضاوت کنید تا جماعت مسلمانان حفظ شود». (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۳۹۳/۱) در بازگرداندن فدک نیز آن حضرت تقیه کرد؛ چراکه اگر این کار صورت می‌گرفت با مخالفت عده‌ای مواجه می‌شد. (طوسی، ۱۳۷۵: ۲۱۴-۲۱۵) شیخ مفید(م. ۴۱۳ق.) همچنین بیان کرده که میان یاران حضرت کسانی بودند که اقدام ابوبکر در جلوگیری از دست‌یابی فاطمه(علیها السلام) به فدک را بجا می‌دانستند. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۲) بنابراین اعتبار شرعی و قانونی‌ای که بسپاری - حتی میان یاران امیرالمومنین(علیه السلام) - درباره احکام صادره از سوی خلفا قائل بودند به آن حضرت اجازه نمی‌داد، بدون هیچ چالشی فدک را برگرداند.

امیرالمومنین(علیه السلام) در زمان حکومت خویش تمام توان خویش را در اصلاح امور جامعه به کار برد و در سخنانش نیز از لزوم تغییر در برخی امور سخن می‌گفت. (قاضی نعمان، بی‌تا: ۳۷۰/۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۷۲، ۵۲۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۳۷/۷) ایشان تلاش می‌کرد مردم را به عمل به کتاب خدا و سیره رسول خدا(ص) تشویق کند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹، ۲۴۴) اما در عین حال - بر اساس پاره‌ای روایات - در برخی موارد که ظاهراً به اصل حفظ اسلام و حفظ وحدت جامعه اسلامی مربوط می‌شد، (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۲) صلاح نمی‌دید سیاستی خلاف شیخین در پیش گیرد. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۲۱۷/۱؛ بیهقی، بی‌تا: ۳۶۳/۶؛ قاضی ابویوسف، ۱۳۹۹: ۱۹-۲۰)

ضمن اینکه بازگرداندن فدک می‌توانست آن حضرت را در مظان اتهام قرار دهد که برای منافع شخصی و مادی خویش تلاش کرده و صدقات رسول خدا(ص) را به نفع خویش برداشته است. نکته‌ای که می‌تواند مؤید این مطلب باشد، فرمایشی از امام باقر(علیه السلام) است. محمد

بن اسحاق می گوید: از ابوجعفر محمد بن علی (علیه السلام) پرسیدم هنگامی که علی (علیه السلام) به حکومت رسید، در مورد سهم ذوی القربی چگونه رفتار کرد؟ گفت: همان روشی را که ابوبکر و عمر داشتند معمول داشت. گفتم: چگونه و به چه سبب شما این حرفها را می گوید؟! گفت: به خدا سوگند، اهل و خویشاوندان علی (علیه السلام) بیرون از رأی او چیزی نمی گویند. پرسیدم پس چه چیزی او را باز داشته است؟ فرمود: علی (علیه السلام) خوش نمی داشت که بگویند با ابوبکر و عمر مخالفت می کند. (هروی، ۱۴۰۸: ۴۱۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۱۷/۱ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۳۱/۱۶-۲۳۲) این فرمایش امام باقر (علیه السلام) نشان می دهد امام علی (علیه السلام) به جهت اینکه میان مردم متهم نشود که برخلاف ابوبکر و عمر، چیزی را که برای عموم مسلمانان بوده، به خاندان خویش اختصاص داده، از سهم ذوی القربی چشم پوشی کرده است. در فرازی از زیارت امام علی (علیه السلام) در غدیر نیز آمده است: «سهم ذی القربی را با نیرنگ از تو گرفتند... چون کار خلافت به تو بازگشت، همان گونه که آن دو عمل کردند، عمل کردی به امید ثواب الهی از آن (سهم ذی القربی) روی برتافتی». (محمد بن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۷۹) بنابراین امام علی (علیه السلام) همان گونه که درباره خمس (به عنوان سهم خاندان پیامبر (ص) مصلحت را در این دیده که طبق سیره خلفا عمل کند و در غیر این صورت ممکن بوده متهم شود، در مسئله فدک نیز همین سیاست را برگزیده است.

علاوه بر این امام علی (علیه السلام) به دلیل وجود دشمن فرصت طلبی چون معاویه، نمی خواست با این کار در جامعه تفرقه ایجاد شود. چه بسا در مواردی مخالفت با سیره شیخین می توانست بهانه های لازم را در اختیار دشمنان حيله گر و فتنه جویی چون معاویه قرار دهد. یکی از محققان می نویسد: «به مصلحت امام نبود تا با طرح مسئله فدک و مسئله خمس، بار دیگر اختلافات پیش را که از شدت آن کاسته شده بود، زنده نماید و کارآمدترین بهانه را در اختیار دشمن خویش (معاویه) گذارد. این کار موجب می شد معاویه به اغوای مردم بپردازد و شرایط را از هر سو بر امام آشفته سازد و سرنوشت جامعه اسلامی را آن گونه که می خواهد رقم بزند». (احمد پور، ۱۳۷۶: ۱۸۳)

به این نکته باید توجه شود که مصلحت سنجی برای مصالح بالاتر، در موارد دیگری نیز در سیره آن حضرت لحاظ شده است. به عنوان نمونه و بر اساس روایتی از امام باقر (علیه السلام) وقتی حسنین سهم خویش را از خمس - که از اهل بیت (علیهم السلام) بازگرفته شده بود - درخواست کردند، امام علی (علیه السلام) ضمن اذعان به این حق، از درگیری خویش با معاویه

سخن گفت و از آنان خواست (فعلاً) از خواسته خویش صرف نظر کنند. (بیهقی، بی‌تا: ۳۶۳ / ۶) علاوه بر این به نظر می‌رسد امام علی (علیه السلام) برای حفظ وحدت در جامعه اسلامی و یا به تعبیر درست‌تر حفظ اسلام، حتی از برخی از حقوق مسلم و بالاتر خویش نیز چشم‌پوشی کرده است. نمونه بارز آن، حق خلافت ایشان است. حقی که مسلماً از فدک و امثال فدک بالاتر است و در عین حال امام علی (علیه السلام) برای حفظ اسلام و جلوگیری از پراکندگی مسلمانان و تضعیف آنان، از این حق مسلم چشم‌پوشی می‌کند. (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۹۵/۸؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۲۴۹/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۸۱/۲؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۵، ص ۵۲ و نامه ۶۲، ص ۴۵۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۳۰۷/۱ و ۳۰۸)

در پایان این بحث می‌بایست روایتی را که سید مرتضی و ابن ابی‌الحدید درباره علت عدم بازپس‌گیری فدک نقل کرده‌اند، مورد ارزیابی قرار دهیم. در این روایت آمده است: «وقتی زمان حاکمیت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) فرا رسید، درباره بازگرداندن فدک با ایشان صحبت شد، آن حضرت فرمود: من از خدای خویش شرم می‌کنم که چیزی را بازگردانم که ابوبکر از آن منع کرده و عمر آن را امضا کرده است. (سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۷۶/۴، ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۲۵۲/۱۶) درباره این روایت باید گفت صرف نظر از سند این روایت، واکاوی سیره امام علی (علیه السلام) نشان می‌دهد آن حضرت هرچند در مواردی به جهت حفظ مصالح جامعه اسلامی از جمله حفظ وحدت و یا مصالحی دیگر از پافشاری در انجام برخی اصلاحات خودداری ورزیده است، اما این گونه هم نبوده که خود را همیشه ملزم، متعهد و پایبند به بدعت‌های خلفا بداند؛ چراکه آن حضرت، زمان تشکیل شورای شش نفره، به صراحت مخالفت خویش را با سیره شیخین بیان کرده است. (مقدسی، بی‌تا: ۱۹۲/۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۱۸۷/۱) علاوه بر این آن حضرت در سخنان خویش که در ابتدای دوره زمامداری‌اش بیان کرده، از لزوم تغییر در برخی امور سخن گفته و صراحتاً اعلام کرده اموالی که غصب یا غارت شده و یا به ناحق در اختیار این و آن قرار گرفته را به بیت المال بازخواهد گرداند؛ هرچند کابین زنان قرار گرفته باشد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۷/۱۵) در یک مورد نیز در پاسخ به زیاده‌خواهی‌های طلحه و زبیر که - با استناد به عملکرد خلفای قبل - سهم بیشتری از بیت المال درخواست می‌کردند، اعلام کرده است که آیا لازم است از سنت رسول خدا (ص) پیروی شود یا سنت عمر؟ (قاضی نعمان، بی‌تا: ۳۸۴ / ۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۱۰/۲ - ۱۱۱) ضمن اینکه عملکرد آن حضرت نیز نشان می‌دهد ایشان در موارد فراوان - که طبیعتاً ضرری متوجه اسلام و جامعه نوپای اسلامی نبوده است - چون نحوه

تقسیم بیت المال، نوع برخورد با موالی، به کارگیری بنی‌امیه به خصوص معاویه به عنوان کارگزار حکومت و در اموری دیگر برخلاف سیره خلفای پیشین عمل کرده است. (رک: کلینی، ۱۳۶۲: ۶۹/۸ ؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱۵۱ ؛ نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ / ۴۲۹ ؛ بیهقی، بی‌تا: ۳۴۹/۶ ؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۳: ۴۹۹/۲) بنابراین این روایت بدین صورت- که نوعی تقدس رأی و عملکرد برای خلفا قائل شده است- نمی‌تواند از اتقان برخوردار باشد و به احتمال زیاد توسط حامیان خلفا جعل شده است.



نتیجه‌گیری

تأمل در علل عدم بازپس‌گیری فدک توسط امام علی (علیه السلام) در دوران خلافت آن حضرت، ضمن اینکه نشان می‌دهد آن حضرت به هیچ روی دلبسته به دنیا و مادیات دنیوی نبوده، نشان از این است که آن حضرت، به منظور حفظ اسلام، از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نداشته است. هر چند روایات و شواهدی هست که آن حضرت به دلیل وصیت حضرت زهرا (علیها السلام) و یا گذشت از حق شخصی خویش و خاندانش، از بازپس‌گیری فدک خودداری ورزیده است، اما به نظر شرایط خاصی که در زمامداری آن حضرت بر جامعه حکم‌فرما بوده، سبب شده آن حضرت برای پرهیز از تنش و تفرقه، مصلحت را در خودداری از بازگرداندن فدک بداند. ضمن اینکه در ماجرای فدک، سال‌ها پیش از حاکمیت آن حضرت، ادعای حضرت فاطمه (علیها السلام) پذیرفته نشد. بنابراین - برای حفظ اسلام - مصلحت نبود در مسئله‌ای که بیشتر حکمی - هرچند به ناحق - درباره آن صادر شده، مجدداً امام علی (علیه السلام) برخلاف آن حکم، عمل کرده و خود را در مظان اتهام دلبستگی به دنیا قرار دهد. ضمن اینکه امام می‌خواست فدک را مانند هر غصب و ظلم دیگری مرتفع نماید. اما در خصوص احکام و سنت‌های شیخین چنین قدرتی نداشته و جامعه به او چنین اجازه‌ای نمی‌داد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (صبحی الصالح)، قم، مؤسسه درالهجره، بی تا.
۱. آلوسی بغدادی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 ۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه (۱۳۷۸). تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار الکتب العربیه.
 ۳. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). الکامل، بیروت، دار صادر.
 ۴. ابن شبه نمیری (۱۴۱۰). تاریخ المدینه المنوره، قم، دارالفکر.
 ۵. ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۶). مناقب، نجف، مطبعه الحیدریه.
 ۶. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دار الفکر.
 ۷. ابن مشهدی، محمد (۱۴۱۹). المزار الکبیر، قم، قیوم.
 ۸. ابن هشام حمیری، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفه.
 ۹. احمد بن حنبل (بی تا). مسند احمد، بیروت، دار صادر.
 ۱۰. احمدپور، علی اکبر (۱۳۷۶). امام علی (علیه السلام) و همگرایی اسلامی، قم، بوستان کتاب.
 ۱۱. احمدی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بررسی جریان فدک با تأکید بر ابعاد عقیدتی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی.
 ۱۲. انصاری، محمد باقر و سید حسین رجایی (۱۳۸۷). اسرار فدک، قم، دلیل ما.
 ۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰). صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.
 ۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر.
 ۱۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (بی تا). سنن الکبری، بیروت، دارالفکر.
 ۱۶. پرویز کلایه، سید علی (۱۳۹۳). اثبات مالکیت فدک بر اساس قاعده فقهی ید، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج.
 ۱۷. ثقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳). الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.

۱۸. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۲)، مجموعه مقالات فدک، تهران، مشعر.
۱۹. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز (۱۴۱۳). السقیفه و الفدک، بیروت، شركة الکتبی.
۲۰. حسنی، علی اکبر (۱۳۷۲). «فدک و بازتاب‌های تاریخی و سیاسی آن، همایش کنگره هزاره شیخ مفید، دوره ۱.
۲۱. حسینی جلالی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۴). فدک و العوالی، کنگره میراث معنوی و علمی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، قم.
۲۲. حسینی میلانی، سید علی (۱۳۸۶)، فدک در فراز و نشیب، قم، نشر الحقایق.
۲۳. حلی، ابن ادريس (۱۴۱۱). مستطرفات السرائر، بی‌جا، مطبوعه موسسه النشر الاسلامی.
۲۴. حموی، یاقوت بن عبدالل (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت، دار صادر.
۲۵. ذهبی، شمس الدین (بی‌تا). میزان الاعتدال، بیروت، دار المعرفه.
۲۶. رحمانی همدانی، احمد (۱۴۱۷). الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، منیر.
۲۷. رهبر، محمد تقی (۱۳۷۹). فدک نماد مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)، فصلنامه میقات حج، شماره ۳۴، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸-۱۸۵.
۲۸. سیدمرتضی، علی بن حسین بن موسی (۱۴۰۵). رسائل الشریف المرتضی، قم، مطبوعه سید الشهدا (علیه السلام).
۲۹. سید مرتضی، علی بن حسین بن موسی (۱۴۱۰). الشافی فی الإمامة، تهران، موسسه الصادق (علیه السلام).
۳۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). در المنثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۱. شراب، محمد محمد حسن (۱۴۱۱). المعالم الاثیره، بیروت، دار القلم.
۳۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (بی‌تا). علل الشرایع، قم، داوری.
۳۳. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۵). فدک فی التاريخ، بی‌جا، مرکز الغدیر.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). احتجاج، مشهد، مرتضی.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳). مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو.
۳۶. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۵). الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، بی‌جا، کتابخانه.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت دار احیاء التراث العربی.

۳۹. عبدالفتاح عبدالمقصود (۱۴۳۰). فی نور محمد فاطمة الزهرا (علیها السلام)، تهران، المجمع العالمی للتقريب.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه.
۴۱. قاضی ابویوسف (۱۳۹۹). الخراج، بیروت، دار المعرفة.
۴۲. قاضی نعمان مغربی (بی تا). شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار (علیهم السلام)، قم، جامعه مدرسین.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). کافی، تهران، اسلامیة.
۴۴. مجلسی، غلامحسین (۱۳۸۸). فدک از غضب تا تخریب، قم، دلیل ما.
۴۵. مطهری، مرتضی (بی تا). مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳) الف. الاختصاص، قم، دار المفید.
۴۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳) ب. الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳) ج. رساله حول حدیث نحن معاشر الأنبياء لا نورث، قم، دار المفید.
۴۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳) د. المسائل العکبریة، قم، دار المفید.
۵۰. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). البدء و التاريخ، بور سعید، مکتبه الثقافه الدينيه.
۵۱. ملک زاده، فهیمه (۱۳۸۷). بررسی مسئله ملک فدک با رویکرد فقهی - حقوقی، مجله نامه الهیات، بهار ۱۳۸۷، شماره ۲، ص ۸۴ تا ۹۸.
۵۲. موذن، محبوبه (۱۳۷۵). مدخل فدک، دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادى و دیگران، تهران، نشر سعید محبی.
۵۳. مهدی پور، علی اکبر (۱۳۸۷). فدک در گذر تاریخ، میقات حج، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۶۴، ص ۱۹۷ - ۲۱۰.
۵۴. نصر اصفهانی، اباذر (۱۳۹۴). کتاب شناسی فدک، آینه پژوهش، شماره ۱۵۱، ص ۱۰۳ - ۱۱۲.
۵۵. نویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۳). نهاية الارب، نویری، قاهره، دار الکتب و الوثائق القومية.
۵۶. هروی، أبو عبید قاسم بن سلام (۱۴۰۸). الأموال، أبو عبید، بیروت، دارالفکر.
- یعقوبی، ابن واضح (بی تا). تاریخی یعقوبی، بیروت، دار صادر. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.